



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ • سال سی و یکم • شماره ۸۸۴۹
• آذان ظهر ۱۱/۵۴ • آذان مغرب ۱۸/۰۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۲ • آذان صبح فردا ۴/۳۸ • طلوع آفتاب فردا ۴/۰۱

irannewspaper.ir

ایران

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران - رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری - مدیرعامل: علی متقیان - تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۲ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ - نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری - سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT - پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳	• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی • مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری • سردبیر: هادی خسروشاهین
--	---

تجلیل از بیاض امیرعطایی به پاس سال‌ها تلاش در عرصه ساخت «ساز»  آیین تجلیل و پاسداشت مقام هنری بیاض امیرعطایی، سازنده سازهای ایرانی به بهانه هفتادمین سالروز تولد این هنرمند پیشکسوت روز جمعه ۱۱ مهر ساعت ۱۷ در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. در این آیین فیلم مستند «کمانچه» با تحقیق و نویسندگی لاله چوشنی و کارگردانی محمود یارمحمدلورنمایی می‌شود و پس از آن به نمایش درمی‌آید. استاد بیاض امیرعطایی، سال ۱۳۵۱ با استاد ابراهیم قنبری مهر آشنا شد. شروع کار سازسازی‌اش با ساخت ساز تار و کرناش تمبک و کمانچه یک‌تکه برای هنرموزان هنرستان موسیقی آغاز شد. / ایران	اعتراف انجمن بازیگران آمریکا به اولین بازیگری هوش مصنوعی  پس از اعتراف شماری از بازیگران درجه یک هالیوودی به اولین بازیگری که توسط هوش مصنوعی ساخته و در یک فیلم به کار گرفته شده است، انجمن بازیگران آمریکا با انتشار بیانیه‌ای این امر را محکوم کرد. بازی دادن به زنی با عنوان «نیلی نوروود» اولین بازیگری که توسط هوش مصنوعی ساخته شده، توسط انجمن بازیگران آمریکا (SAG-AFTRA) محکوم شد. این مخلوق به موضوعی بحث‌برانگیز در هالیوود بدل شده و بازیگران معتقدند که خلاقیت انسان محور است و باید باقی بماند. // مهر	اهدای نشان درجه یک هنری به جعفر دهقان  در مراسم گرامیداشت هفته دفاع مقدس، آیین اهدای گواهینامه درجه یک هنری به «جعفر دهقان» بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون با حضور رئیس سازمان سینمایی برگزار شد. جعفر دهقان در این مراسم گفت: «اولینم انتخاب کارهای دفاع مقدس بود و خوشبختانه طوری شد که پرکارترین و بهترین بازیگر سینمای دفاع مقدس به انتخاب مردم در سال شدم و خودم را مدیون و متعهد نسبت به بچه‌های جنگ می‌دانستم و همانقدر که آنها از من راضی باشند، برایم کافی بوده است. / سازمان امور سینمایی	مولانا و شمس می‌توانند به داد انسان سردرگم امروز برسند  نقل قول برای من و همکاران عزیزم، ساخت فیلم «هست عشق» صرفاً ساخت یک اثر سینمایی نبود بلکه سفری معنوی به سرزمین ملاقات دور روح، دو جان و بلخی جاری و زنده است. بر این باورم که در طول قرن‌ها و با گذر نسل‌ها بسیاری از دل‌ها از برکت این دیدار میان شمس و مولانا گرما گرفته‌اند و در روزگار خود، معنا و مفهومی برای ادامه زندگی یافته‌اند. امروز پیام مولانا معنایی تازه دارد. ما در عصری معنایی زندگی می‌کنیم؛ در دورانی که انسان‌ها گم شده‌اند و غبارهای بی‌شماری راه را برای تصمیم‌گیری و جهت‌گیری در زندگی دشوار کرده‌اند. در چنین زمانی، انسان‌هایی چون حضرت مولانا و شمس تبریزی می‌توانند به داد انسان سردرگم امروز برسند. من و همکارانم همین که توانسته باشیم با خلق لحظاتی دل‌مخاطبان‌مان را به اندیشه‌های شمس و مولانا نزدیک‌تر کنیم بزرگ‌ترین موفقیت است. از صحبت‌های حسن فتحی در اکران ویژه «هست عشق»
---	---	---	---

در نشست خبری سی‌وهفتمین جشنواره فیلم کودک مطرح شد

فصل سینمای کودک در روزگار بی‌رمق این ژانر

گزارش

گروه فرهنگی - نشست خبری سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان صبح چهارشنبه ۹ مهر با حضور اصحاب رسانه در بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد. حامد جعفری، دبیر جشنواره و مدیرعامل بنیاد فارابی، در این نشست از ضرورت‌های برگزاری این رویداد، وضعیت نه‌چندان مطلوب سینمای کودک و برنامه‌های جشنواره سخن گفت.

جعفری در آغاز با اشاره به سابقه جشنواره که از سال ۱۳۶۱ شروع شد و در شهرهای مختلف از جمله تهران، همدان و کرمان برگزار شده، تأکید کرد: «این جشنواره در همه سال‌ها تنها میعادگاه جدی برای سینمای کودک و نوجوان بوده و حتی در دوره‌هایی که تعطیل شد، کیفیت و کمیت تولیدات بهبود پیدا نکرد.» او توضیح داد که سی‌وهفتمین دوره با نمایش فیلم‌ها در اصفهان و همزمان در ۱۸ استان دیگر برگزار می‌شود و افتتاحیه رسمی آن ۱۱ مهر با ادای احترام به شهدا خواهد بود. به گفته دبیر جشنواره، امسال ۳۹۳ اثر متقاضی حضور بودند که در نهایت ۸ فیلم بلند داستانی، ۱۹ فیلم کوتاه و ۱۱ اثر انیمیشن انتخاب شدند. در بخش بین‌الملل نیز از میان

۱۸۳ اثر، ۱۸ فیلم پذیرفته شده‌اند که تنوع جغرافیایی قابل‌توجهی از کشورهای مختلف دارند.

سه بزرگداشت در جشنواره

جعفری از برگزاری سه مراسم نکوداشت خبر داد: بزرگداشت زهره شکوفنده، پیشکسوت عرصه دوبله؛ داریوش فرضایی (عمو پورنگ) به پاس فعالیت‌های کودک و نوجوان و مهدی مسعودشاهی برای سال‌ها مدیریت فرهنگی.

بازتاب جنگ ۱۲روزه در آثار

موضوع جنگ اخیر غزه نیز در این نشست مطرح شد. جعفری توضیح داد در میان آثار رسیده به جشنواره تعدادی فیلم با محوریت کودکان و جنگ ۱۲روزه حضور دارند که کیفیت بالایی داشته و در برنامه امسال جای گرفته‌اند. او تأکید کرد: «جشنواره مأموریت ساخت ندارد، بلکه نمایشگاه آثار است. اگر تعداد آثار بیشتری به بخش مجزایی برای کودکان غزه در نظر

می‌گرفتیم.»

ضعف تولیدات، انگیزه برگزار

یکی از محوری‌ترین بخش‌های نشست، تأکید دبیر جشنواره بر کم‌رمقی تولید در سینمای کودک بود. او گفت: «از میان ۲۵ فیلم بلند رسیده تنها ۸ اثر انتخاب شد که نشان می‌دهد وضعیت تولید مطلوب نیست. اما همین رویداد می‌تواند انگیزه‌ای برای فیلمسازان باشد تا مسیر خود را ادامه دهند.»



از میان ۲۵ فیلم بلندرسیده تنها ۸ اثر انتخاب شد که نشان می‌دهد وضعیت تولید مطلوب نیست. اما همین رویداد می‌تواند انگیزه‌ای برای فیلمسازان باشد تا مسیر خود را ادامه دهند



غفلت سینما از نوجوانان دفاع مقدس
سومین نشست «قرار هفت» با موضوع کنشگری نوجوان و سینمای دفاع مقدس در بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد. نشست با نمایش نسخه بازسازی شده «باشو غریبه کوچک» آغاز شد و رسول صدرعاملی و محمدرضا شریفی‌نیا درباره کم‌توجهی سینمای ایران به نوجوانان سخن گفتند. صدرعاملی با اشاره به نقش محوری نوجوانان در جنگ گفت: «بخش بزرگی از بار جنگ و زندگی بر دوش نوجوانان بود، اما سینما آنها را بازتاب نداده است.» او تکلیک سینمای کودک و نوجوان را ضروری دانست و افزود: «نوجوان در سینما باید مسئولیت‌پذیر تصویر شود، نه صرفاً سرگرم شود. ما حتی جشنواره مستقل نوجوان نداریم.»

شریفی‌نیا نیز تأکید کرد: «۴۵ درصد اسراری جنگ دانش‌آموز بودند، اما آثار کمی درباره آنها ساخته شده است. سانسور باعث شد بسیاری از فیلم‌ها، از جمله باشو، سال‌ها اکران نشوند.» او افزود که نشان دادن تبعات جنگ ضرورتی انکارناپذیر است. هر دو سخنران بر لزوم استقلال سینمای نوجوان و حمایت جدی از آن تأکید کردند. نشست «قرار هفت» به همت جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان و با همکاری بنیاد فارابی برگزار شد.

از دوستی‌ها گفتند؛ دوستی‌هایی که می‌دانستند پایان می‌یابد. از کلاس طراحی به نقاشی ... از سرامیک به عکاسی. فرقی نمی‌کرد، هنر مهم بود که آنها را به هم وصل می‌کرد در قلب تهران، در دانشگاه هنر، جشنواره هنرهای تجسمی جوانان... برای این ۱۵۴ هجده ساله تا بیست و چند ساله‌ها بهانه بود تا بیایند و استادان را ببینند، کار کنند و بیشتر یاد بگیرند و خودشان را در محک تجربه بگذارند. جایزه هم که پیش‌رو بود. در رقابتی که اگر اسم دوستشان در شایب اختتامیه اعلام می‌شد سوت و کف و هورا بود که به هوا می‌رفت. خصلت این جشنواره را باید در همین ریشه در خاک بودن جست‌وجو کرد جشنواره‌ای که مثل یک شجره در این سی و دو دوره به همه هنرها و هنرمندان شاخه دوانده درست مثل پیچکی که از دیوار بالا رفته و ایوان همسایه را سبز کرده، درختی محکم که می‌توانی به آن تکیه کنی و جوانان ایران در باغ ملی به هنر تکیه کردند.



برق می‌زد و می‌گفتند؛ بماند... دست آخر که باید حذف می‌کردند می‌دیدم که چه افسوس می‌خورند. روز افتتاح این جشنواره در آفتاب صبح اولین روز پاییز مگراز خاطره‌ها می‌رود وقتی که در قلب تهران، در میانه تاریخ ایستاده باشی و بچه‌ها را با استادان به کلاس بفرستی. و می‌دانستی که پنجشنبه غروب بعد از ۲۰ روز و نیم کار، چه دل دلی می‌کنند و در سرشان چه می‌گذرد، که کارشان چه می‌شود در نگاه داوران. من فقط این سوی داستان را می‌بینم، سویی جوانی را. یک بار دیگر باید دوربین را بچرخانیم و آن سوی استادانه‌اش را هم از نظر بگذرانیم. و آنچه را در نگاه استادان به جوانان می‌آمد و چه لذتی داشت وقتی احمد وکیلی و محمدعلی بنی اسدی با لذت از کار بچه‌هایشان حرف می‌زدند. پای صحبت بچه‌ها که نشستم هر یک از جایی آمده بود. از اردبیل، شیراز، اصفهان و سمنان و هر جایی که در نقشه ایران نامش آمده. همگی

نمایان شد که: من اینجا ریشه در خاکم.

هنر ریشه‌های آدمی را به خاکش گره می‌زند

محکم می‌کند مثل ریشه‌های سرو ابرقو. یا چنارهای هفت جوش امامزاده‌های پای کوه. می‌توانی از اینها شعار بسازی و چند صباحی را بگذرانی و می‌توانی به نقطه شعور برسانی و هنر را نیاز امروز و فردا بدانی. مثل یک قطعه تار میرزا حسینی یا خطی از شعر نیما که از صبح می‌گوید و روشنی: قوقولی قو خروس می‌خواند... مطلوب نیست. اما نمایشگاه آثار در این درخت که گاهی یاد انسانی می‌افتی که ۳۵ هزار سال پیش در غار نقشی از حیوان و انسان را بر دیوار غار کشیدی. و حالا این معجزه جوانی است که به اکسیر حیات می‌آرد. وقتی که پای هجده سالگی می‌ایستی و حیرت می‌کنی از هر چه جنس هنر است و عشق و ماندگاری. راز این هجده سالگی کشف است. کشفی در جست‌وجوی خود و بیرون مثل بچه‌هایی که در روزهای جشنواره دیدم که در حیاط باغ ملی دانشگاه هنر می‌چرخیدند و جوانی را معنا می‌کردند پای تابلو و وقتی که دست به رنگ و کج و چوب و آهن و قلم‌نی می‌بردند.

روزهای جشنواره امسال را از اتاق داوری و انتخاب هنرجو برای کارگاه شروع کردم

هنرمندانی که با ذوق و دقت کار این جوانان را می‌دیدند و گاهی چشمانشان



هر جشنواره‌ای که یک سویش جوان‌ها باشند من آن طرف می‌ایستم. این جشنواره‌ها در ذات آنقدر دارند که چندین روز سرپا بودن و از این طرف به آن طرف دودین را به چشم نمی‌آورد

وقتی ۱۵۴ نفر از همه استان‌های کشور می‌آیند و در رشته‌های هنری تقسیم می‌شوند و با استادان کار می‌کنند تا آثاری بسازند که داورى شود رخدادی یکتا در هنر ایران است. هرکس به این جشنواره راه بیابد و بچه‌ها را به دستبند جشنواره و دیپلم‌های افتخار به خانه می‌فرستی تازه می‌فهمی که چقدر پاهایت درد را در خودش پنهان کرده بود. این وصف جشنواره هنرهای تجسمی جوانان بود که سی و دومین دوره‌اش در دانشگاه هنر باغ ملی برگزار شد.

اصلاً برای همین بود که «ریشه در خاک» از شعر فریدون مشیری بیرون آمد و در خط و شعار و موضوع کارها



گذری بر سی و دومین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان

باغ ملی و حیرت هجده سالگی

یادداشت



سیداسلامزاده
روزنامه نگار هنری

دخترها و پسرهای هجده ساله و بیست و چند ساله، با دست‌های خاکی و رنگی از آکرلیک و رنگ روغن و سیاه از زغال طراحی که گاهی برای پاک کردن دستشان را روی لباس می‌کشند... باهم بحث می‌کنند و می‌خندند و آنچه را در ذهن دارند با صدای بلند بین دوستان می‌گویند و ترسی ندارند که کارشان را بیاقتند، چون صادقند و با هنر روراستند... یک طرف بچه‌های سرامیک‌اند با آن عینک‌های محافظ پای کوره یا کف

حیاط نشسته و با خاک و آب دست به ساختن می‌برند... در کارگاهی دیگر هم بچه‌های طراحی با مداد کتنه و زغال و حتی رنگ، مرزهای طراحی و نقاشی را مدام گسترش می‌دهند... با آنها که با قلم صفر، رنگ‌های فیروزه‌ای و زرد و سبز و سرخ و گل و مرغ می‌نشانند... آنها را چه می‌گویی که پای لپ‌تاپ با ایده‌هایشان کلتجار می‌روند یا دوربین به دوش نگاه می‌کنند تا عناصر بیرون از خود را با چشمشان پیوند دهند... همه این هجده ساله‌ها و بیست و چند ساله‌ها راهی را انتخاب کرده‌اند که دشواری‌اش کم از راه‌های دیگر نیست و زیستن با هنر است. زندگی در حیرت... مدام شگفت زده شدن و لحظه‌هایی را با مردم دنیا قسمت کردن.

جشنواره‌ای که با پاییز آمد

در وصف ویژگی‌های این جشنواره بیشتر همین‌جا نوشته بودم که